

علل ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی شهرستان سامان

اصغر نوروزی^۱، حیدرعلی غلامیان^۲

چکیده

مدیریت روستایی را می‌توان برنامه‌ریزی برای روستا، سازمان‌دهی، اقدام توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر کارهای انجام‌شده دانست. بررسی و شناخت نیازها، کمبودها و نارسایی‌های روستاییان، اقدام برای مشارکت مردم در انجام امور اجتماعی، اقتصادی، عمرانی و ... نیز بر عهده مدیران روستایی است. شهرستان سامان با وجود توانمندی‌های گسترده (طبیعی و انسانی) اما با مشکلات عدیده توسعه‌نیافتگی روستایی مواجه است و شاید بتوان آن را در شیوه مدیریت یافت. بنابراین هدف پژوهش، بررسی و شناخت عوامل تأثیرگذار بر ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی است. پژوهش از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر پیمایش است. جامعه آماری شامل روستائیان شهرستان سامان بوده و برای تعیین حجم نمونه ابتدا به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای پنج روستا انتخاب و با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۸ نفر از اهالی این روستاها جهت تکمیل پرسشنامه به روش تصادفی ساده تعیین و تکمیل پرسشنامه صورت پذیرفت. داده‌های جمع‌آوری‌شده نیز با استفاده از نرم‌افزار spss24 تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج آزمون رگرسیون خطی نشان داد که عامل اقتصادی به‌تنهایی ۴۷٪ ناکارآمدی مدیریت روستایی را تبیین می‌کند. نتایج آزمون T نیز نشان داد بُعد اجتماعی- فرهنگی (با میانگین ۳/۲۱)، بُعد اقتصادی (با میانگین ۳/۱۸) و بُعد محیطی- کالبدی (با میانگین ۳/۱۶) «تأثیر زیاد» بر ناکارآمدی مدیران روستایی داشته‌اند. همچنین نتایج نشان داد در بُعد اقتصادی «مشکلات بودجه‌ای در سطح کلان»، در بُعد اجتماعی- فرهنگی، عامل «قومیت‌گرایی و اشکالات ساختاری انتخابات» و در بُعد محیطی «عدم توجه به محیط‌زیست و ناآگاهی به مسائل مربوطه» مهم‌ترین عامل بوده‌اند. بعلاوه نتایج نشان از تفاوت‌های مکانی در ابعاد مورد بررسی دارد.

واژگان کلیدی: مدیریت روستایی، ناکارآمدی، توسعه روستایی، جامعه محلی، شهرستان سامان

۱. استادیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور

۲. کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور

مقدمه

صاحب نظران توسعه روستایی به این باور رسیده‌اند که برای توانمندسازی جامعه روستایی باید از درون جامعه محلی شروع کرد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴) و ایجاد ساختار مدیریت محلی با حضور نمایندگان مردم بسیار مهم و مؤثر است (Elmenofi et al, 2014, 296)؛ تا آنجا که گفته می‌شود این استراتژی جامعه‌محور پایین به بالای مشارکتی می‌تواند منجر به حفظ منابع، کاهش فقر و نابرابری، افزایش اشتغال، درآمد، خدمات عمومی، بهره‌وری کشاورزی، بهبود استاندارد زندگی، شناخت واقعی نیازهای محلی و نهایتاً توسعه پایدار شود (Abdul Wahid et al, 2016, 1).

مدیریت مبتنی بر جامعه محلی در واقع ابزاری برای ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جامعه، بهبود مشارکت مردم، تقویت مسئولیت‌پذیری و ضمانت اجرایی پروژه‌ها، سازمان‌دهی نهادهای محلی و بهبود استفاده از سرمایه‌ها جهت تأثیرگذاری در فرایند توسعه است که با هدف پذیرش و رفع نیازهای جوامع روستایی برای توسعه اقتصادی-اجتماعی و حفاظت از منابع تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد (رشید پور، ۱۳۸۶: ۳۲).

چنانچه مدیریت شامل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، کارگزینی، هدایت و کنترل در سه سطح بالا، متوسط و پایین (محلی) تعریف شود (Poulton, 2014, 7-11)؛ مدیریت روستایی در واقع فرایند سازمان‌دهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست. این سازمان‌ها و نهادها وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی‌اند. به عبارت دیگر مدیریت روستایی فرایند چندجانبه شامل سه رکن «مردم، دولت و نهادهای عمومی» است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱)؛ با این وجود هنگام سخن از مدیریت روستایی، ممکن است لزوماً مدیریتی اندیشیده شده و برنامه‌ریزی شده، مورد نظر نباشد. به عبارتی نقش عرف، عادات و سنن نیز در مدیریت روستایی تعیین‌کننده‌اند (طالب، ۱۳۷۶: ۱). مدیریت روستایی در ایران نیز نه تنها در طول تاریخ استقرار سکونتگاه‌های روستایی به صورت سنتی مورد توجه بوده، بلکه طی چند دهه گذشته، همواره به یکی از مهم‌ترین موضوعات در چارچوب ادبیات توسعه روستایی کشور تبدیل شده است.

از سال ۱۲۸۶ با تصویب «قانون تشکیل ایالات و ولایات» مدیریت روستایی به «کدخدای» سپرده شد. در دهه ۱۳۳۰ تشکیل «انجمن ده» و سپس «دهبانی» نمونه‌هایی از شیوه مدیریت روستایی بوده است (ایمانی جاجرمی و کریمی، ۱۳۸۸، ۹۰). بعد از انقلاب اسلامی نیز در قانون اساسی سازوکارهای مختلفی تنظیم گردید و به سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی و نهادی تأکید گردید. نمونه بارز آن تشکیل «شوراهای اسلامی شهر و روستا» بود که زمینه مناسبی را بر تحقق حکمروایی خوب در عرصه شهر و روستا فراهم آورد (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳). بر همین اساس در سال ۱۳۷۷ انتخابات اعضای شوراهای اسلامی روستا انجام و با این اقدام زمینه پاسخگویی به پیچیدگی مسائل و نیازهای متعدد و ضرورت دستیابی به توسعه پایدار روستایی با ایجاد سازمان‌های تخصصی در عرصه مدیریت محلی فراهم گردید.

با این وجود، نگاهی به تحولات مدیریت روستایی در ایران، به‌ویژه بعد از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ نشان می‌دهد این نهاد نتوانسته به ثبات لازم برای تحقق وظایف خود دست یابد و با مشکلاتی مانند تغییرات قوانین، ابهام در جایگاه قانونی و وظایف و نیز کمبود منابع مالی و انسانی مواجه بوده است (ایمانی جاجرمی و عبدالهی، ۱۳۸۸: ۲۲۳). در بعد از انقلاب نیز علی‌رغم خدمات گسترده‌ای که از سوی دولت و نهادهای انقلابی در روستاها صورت گرفته، هنوز فاصله بین واقعیت‌های موجود و اهداف توسعه بسیار زیاد است. از این رو ایجاد زمینه توسعه تا حد زیادی در گرو تحقق یافتن مدیریت کارآمد اجرایی در روستاها است. در واقع طی چند دهه اخیر توسعه روستایی در ایران به‌طور اعم و مدیریت روستایی به‌طور اخص از روندی اندیشیده و طراحی شده منسجمی برخوردار نبوده و با

وجود اقدامات قابل توجه و سازنده در برخی از مناطق اما گسیختگی اهداف و برنامه‌ها و فقدان راهبردهای مشخص برای توسعه روستایی وجود دارد (سعیدی، ۱۳۷۷: ۴).

شهرستان سامان از جمله شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری است که با وجود توانمندی‌های گسترده (طبیعی و انسانی)، اما با مشکلات عدیده توسعه‌نیافتگی روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مواجه است و شاید بتوان آن را در شیوه مدیریت و بویژه مدیریت روستایی یافت. لذا هدف پژوهش، بررسی و شناخت عوامل تأثیرگذار بر ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی شهرستان سامان است. بر این اساس بنیان این پژوهش بر این سؤال اساسی بنا نهاده شده است که: عوامل اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و محیطی - کالبدی در ناکارآمدی مدیریت روستایی مردم سامان به چه میزان تأثیر دارند؟ و آیا تفاوت‌های مکانی در این زمینه وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دانیل رن^۱ در کتاب سیر تکامل اندیشه‌های مدیریت پیشینه مدیریت را به زمانهای دور، یعنی ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌داند. مدیریت در ساختن اهرام مصریان، امپراتوری رم و موفقیت‌های تجاری قرن ۱۴ شهر «ونیز» بسیار حائز اهمیت بود (ایران‌زاد پاریزی، ۱۳۸۵، ۳۲). در حقیقت، پیدا شدن اندیشه مدیریت به روزگاری بازمی‌گردد که مردمی که گروهی کار می‌کردند نخستین بار کوشیدند تا به «اهداف گروهی» دست یابند (کوئنتز و همکاران، ۱۳۸۵، ۱۷). در فرهنگ‌های لغت در زیر واژه «مدیریت»، «علم و هنر متشکل کردن»، «هماهنگ‌کننده» (معین، ۱۳۶۴) و همچنین «مدیر بودن» (دهخدا، ۱۳۷۳) آمده است؛ اما مدیریت به‌عنوان یک رشته علمی و تخصصی از ابتدای قرن بیستم میلادی پا به عرصه ظهور گذاشت و تاکنون تحول و تکامل درخور توجهی یافته است.

صاحب‌نظران، تعاریف مختلفی از مدیریت ارائه نموده‌اند. از نظر فالت^۲ (۱۹۲۴) مدیریت هنر انجام دادن کار به‌وسیله دیگران است. از نظر دانلی و همکاران (۱۹۷۱) مدیریت یعنی فراگرد هماهنگ‌سازی فعالیت فردی و گروهی در جهت اهداف گروهی (علاقه بند، ۱۳۸۴، ۱۰). در واقع، مدیریت فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده صورت می‌گیرد (رضاییان، ۱۳۷۹: ۴). «هنری فایول^۳ نیز پنج وظیفه اساسی در مدیریت تشخیص داده است: ۱- برنامه‌ریزی؛ یعنی، پیش‌نگری و تدارک وسایل برای عملیات آینده. ۲- سازمان‌دهی؛ عبارت است از ترکیب و تخصیص افراد و منابع دیگر برای انجام دادن کار. ۳- فرماندهی؛ هدایت و جهت‌دهی افراد در انجام کار. ۴- هماهنگی؛ به هم پیوستن و وحدت بخشیدن همه کوشش‌ها و فعالیت‌ها. ۵- کنترل؛ رسیدن به اینکه آیا کلیه امور طبق مقررات و دستورات صورت می‌گیرد یا نه (علاقه بند، ۱۳۸۴: ۱۷) مدیریت روستایی نیز فرآیند چندجانبه‌ای است که با مشارکت مردم برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین، اجرا و ارزیابی می‌شوند (رحمانی فضلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۴). در واقع مدیریت روستایی را می‌توان برنامه‌ریزی برای روستا، سازمان‌دهی، اقدام توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر کارهای انجام‌شده دانست (قنبری، ۱۳۹۶: ۴۵).

پارادایم جدید مدیریت روستایی در ایران بر محورهای مدیریت زمین و تولید کشاورزی، مدیریت زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام درآمد هزینه برای روستاها، مدیریت محیط‌زیست و توسعه پایدار و مدیریت برای کاهش فقر و عدالت اجتماعی قابل بررسی است. هریک از محورهای فوق در دهه‌های قبل دارای شدت و ضعف حتی گاه به‌عنوان راهبرد اساسی در برنامه‌های کلان مطرح بوده است. بررسی جنبه‌های مختلف این محورها

1 - Daniel wren

2 - Fallet

3 - Henry Fayol

بیان‌کننده گستردگی مفهوم مدیریت روستایی در ایران است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴). مدیریت جدید روستایی افزون بر ایجاد توسعه، محل عمل کردن را می‌آموزد و تمامی این موارد با توانمندی‌های جمعی میسر می‌گردد. مدیریت، همراه با استفاده از روش‌های علمی و صلاحیت‌دار در تطابق با محیط‌زیست اقتصادی، به‌طور مستمر در تغییر و نوآوری است. این روش مدیریتی مدام در جست‌وجوی کسب قدرت و جایگاه برای جوامع محلی است تا یک نظم اجتماعی جدید برای روستاها ایجاد نماید و تقسیم بسیار عادلانه قدرت و منافع توسعه در محل گردد. در چنین مدیریتی استثناء طلبی پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا مدیریت دارای یک مفهوم سازندگی است (دهقانی و شمس‌الدینی، ۱۳۹۳: ۱۹).

الگوهای مدیریت روستایی در ایران از زمان شکل‌گیری، تحولات متعددی داشته که می‌توان در سه دوره مورد توجه قرار داد: دوره اول از ابتدا تا مشروطیت است که از سازوکار مدیریت روستایی تا پیش از ورود اسلام اطلاعات زیادی در دست نیست؛ با وجود این، اداره روستاها از جهات مختلف با «مالک» بود. شاه در مقام عمده مالک با واگذاری تیول و اقطاع به درباریان و نزدیکان، قدرت اعمال مدیریت را به آنان واگذار می‌کرد و مالکان نیز از طریق مباشران یا کدخدایان امور مختلف روستا را رتق‌وفتق می‌کردند و مردم هیچ‌گونه اختیاری در اداره امور خود نداشتند. در دوره مشروطیت تا انقلاب اسلامی دگرگونی‌های ناشی از مشروطیت ابعاد مختلف کشور و جامعه روستایی را تحت تأثیر قرار داد و امور مدیریتی روستاها از جمله لغو تیولداری و تصویب قانون تشکیل ایالات و ولایات مورد توجه قرار گرفت. در این قانون برای اولین بار از «کدخدا» نام برده شد؛ اما به‌طور کلی ساخت بزرگ مالکی در جامعه روستایی تغییرات قابل توجهی نکرد. دومین الگوی مدیریت روستایی نیز با معرفی «دهبان» در دهه ۱۳۵۰ طرح شد و دهبان مقام رسمی مدیریتی روستا بود؛ اما توجه به مردم و مشارکت آن‌ها در اداره امور روستایی صرف‌نظر از انجمن ده که بیشتر نهادی سیاست‌گذار بود، جایگاهی نداشت. سومین دوره «الگوی مدیریت جدید» است که در اواخر دهه ۷۰ با عنوان شوراهای اسلامی روستا و «دهیاری» مطرح شد. بر اساس قوانین مربوطه دهیاری‌ها به‌عنوان سازمان‌های عمومی غیردولتی اداره امور محلی را با نظارت روستائیان از طریق شوراهای اسلامی روستا به انجام می‌رسانند (مهدوی و کریمی پور، ۱۳۹۱، ۳).

در خصوص پیشینه پژوهش نیز لازم به ذکر است که، بررسی‌های انجام شده در ارتباط با موضوع و منطقه مورد مطالعه نشان داد که تاکنون پژوهشی با این عنوان و در منطقه مذکور مشاهده نگردید؛ با این وجود مهمترین پژوهش‌های مرتبط به این شرح است: ازکیا و غفاری (۱۳۸۳) در پژوهشی به بررسی علل ناکارآمدی مدیریت روستایی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد: ضعف مدیریت و سازماندهی ناقص، به‌عنوان ویژگی بارز سازمان‌ها و نهادهای جدید روستایی؛ نگرش بخشی و وجود متولیان گوناگون در مدیریت روستایی عامل ناکارآمدی مدیریت است. مهدوی و نجفی‌کانی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان دهیاری‌ها، تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستایی، به این نتیجه دست یافتند که مدیریت جدید باید توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع‌گرایی و مشارکت را در دستور کار قرار داده تا بتواند مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فضاها را حل کند. در این میان عدم مشارکت، مهم‌ترین عامل در عدم موفقیت برنامه‌ها بوده است. بدری (۱۳۹۰) با بررسی چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی به این نتیجه اشاره دارد که برای تحقق و عملیاتی کردن توسعه‌یافتگی، لزوم توجه به سازوکارهای نهادی از جمله بازنگری در اندیشه‌ها، شیوه‌های برنامه‌ریزی، قوانین، رویه‌ها، سبک‌ها و شیوه مدیریت و حکمرانی و تأکید بر ایجاد و تقویت نهادهای بومی، محلی و مدنی ضرورت دارد. احمدی پور و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران اشاره دارند که در اکثر روستاهای مورد مطالعه حکمروایی خوب روستایی از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده و بر رهیافت مکانیکی به‌جای رهیافت انسان‌گرا و نیز برنامه‌ریزی کارشناسانه به‌جای برنامه‌ریزی مشارکتی که باید در الگوی پیشنهادی «مطلوب» توجه کند، تأکید دارد.

فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۲) به شناخت و تحلیل علل ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی به این نتایج دست یافتند که مهم‌ترین علل عبارت‌اند از: ضعف در شایسته‌سالاری، اطلاع‌رسانی و پاسخگویی به مردم، ترجیح منافع شخصی بر عمومی، پشتیبانی سرمایه‌های اجتماعی و انسانی، نداشتن برنامه‌ریزی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، محدودیت مالی و بودجه‌ای. مولایی هشتجین و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان چالش‌های مدیریت روستایی از دیدگاه شوراهای اسلامی در ماندگاری جمعیت در روستاهای مرکزی اردبیل، به تبیین توانمندی و ضعف‌های داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارج از عرصه سکونتگاه روستایی پرداخته و رویکرد مشارکتی به همراه کارآفرینی را به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد ارائه کرده‌اند. قنبری (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی آثار سبک مدیریت روستایی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان اصفهان پرداخت. نتایج نشان داد ارتباط مستقیم بین سبک مدیریت و پایداری سکونتگاه‌های روستایی وجود دارد. توجه چندانی به مشارکت افراد روستایی نبوده و تنها به‌صورت اقدامات دستوری - اجرایی انجام شده است. نظم فر و همکاران (۱۳۹۷) در تبیین نقش شوراهای اسلامی و میزان مشارکت مردم در توسعه روستایی (بخش کلباد) به این نتیجه رسیدند که در بحث عملکرد اقتصادی و اجتماعی تفاوت معناداری میان نظرات مردم و شورا وجود دارد و نظرات شوراها بر نظرات مردم برتری دارد. در بحث عملکرد فرهنگی و مشارکت، نظرات مردم بر نظرات شوراها برتری دارد.

در بین پژوهش‌های خارجی نیز عبدالوحدید و همکاران^۱ (۲۰۱۶) به ارزیابی سازمان‌های توسعه محلی و توانمندسازی آنها در پاکستان پرداخته و به این نتیجه اشاره دارند که مهم‌ترین موانع در این زمینه شامل وابستگی‌های مالی، دخالت مدیران و نخبگان سیاسی، سطح پایین آموزش و بی‌توجهی به قشر زنان است. هوکا و کاتکو^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ناکارآمدی در مدیریت منابع (آب) و مقایسه کشورهای عضو OECD و غیر OECD پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که عدم شفافیت و قانونمندی مهم‌ترین علل ناکارآمدی بوده‌اند. همچنین ایجاد ساختار مدیریت محلی در این زمینه را به جهت افزایش پاسخگو بودن مؤثر می‌دانند. اتحادیه اروپا^۳ (۲۰۱۵) نیز در گزارشی مهم‌ترین علل در خصوص مشکلات هزینه کرد منابع مالی در نواحی روستایی را وجود اشکال در ساختار مدیریت محلی دانسته است. این در حالی است که از نگاه مردم محلی و ذینفعان مهم‌ترین عامل در تخلفات اداری، عدم نظارت و عدم انطباق منابع مالی با نیازها بوده است. المنوفی^۴ و همکاران (۲۰۱۴) نیز چالش‌های توسعه روستایی مصر را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که تقسیم اراضی، خشکسالی، مسائل زیست‌محیطی، فقر، سطح پایین بهداشت و سوء‌تغذیه مهم‌ترین چالش‌ها هستند. علاوه بر برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین و بدون دخالت و مشارکت مردم مهم‌ترین عامل عدم موفقیت و ناکارآمدی توسعه روستایی بوده است. همچنین تنوع سازمان‌های مرتبط و عدم هماهنگی بین آنها از دیگر عوامل ذکر گردید. سایمی و یوسف^۵ (۲۰۱۳) به بررسی ناکارآمدی مدیریت منابع آب مالزی پرداخته و اشاره دارند که هرچند تغییرات اقلیمی تأثیرات مستقیم داشته، اما ناکارآمدی مدیریت بیشترین آسیب را وارد کرده است. در خصوص علل ناکارآمدی نیز موانع قانونی را مهم دانسته‌اند. ونگ و یانگ^۶ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی مردم‌سالاری و حکومت محلی در نواحی روستایی چین پرداخته‌اند. برقراری انتخابات و تشکیلات مدیریتی اگرچه در کاهش هزینه‌های دولتی مؤثر بوده، اما کاهش ارائه خدمات دولتی را به همراه داشته است. ماکوفن و گری^۷ (۲۰۰۷) نیز در

1 - Abdul Wahid

2 - Hukka & Katko

3 - European Union

4 - Elmenofi et al

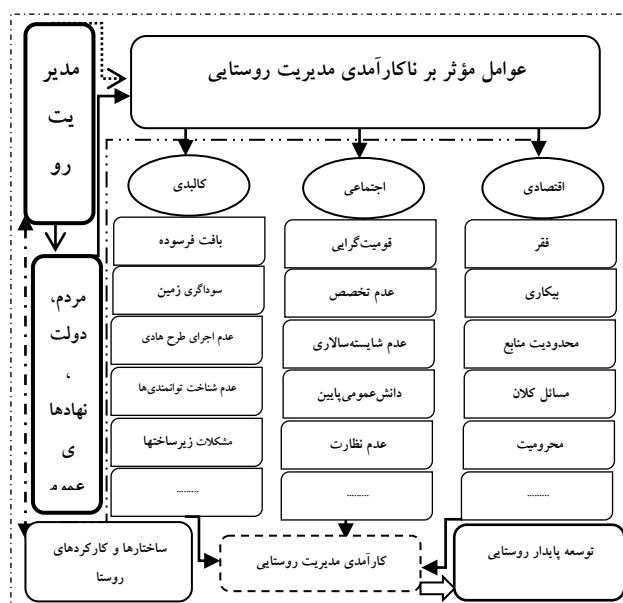
5 - Saimy & Yusof

6 - Wang & Yang

7 - Makofane & Gray

پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر در موفقیت پروژه‌های روستایی، به این نتیجه اشاره دارند که ایجاد حکومت محلی و مردمی در منطقه لیمپوپ^۱ در آفریقای جنوبی که بیش از ۹۰ درصد جمعیت روستایی و بیش از ۶۰ درصد فقیر بوده‌اند، موجب کاهش فقر و ارتقاء کیفیت زندگی شده است. کامسا و ام بیج (۲۰۰۴) در بررسی نقش نهادها در فرآیند توسعه کشورهای آفریقای، به این نتیجه دست یافتند که: اجرای ضعیف حاکمیت قانون، فساد، ضعف مدیریت، فقدان یک جامعه مدنی قوی و دخالت‌های سیاسی، مهم‌ترین عامل بازدارنده در توسعه این کشورها بودند. گیلینگهام و لی^۲ (۲۰۰۲) در رویکردی مبتنی بر مشارکت و مدیریت محلی در خصوص حفاظت از محیط، مهم‌ترین جنبه‌های ناکارآمدی را ناآگاهی مردم محلی و از طرف دیگر رویکرد منفی نسبت به دخالت‌های دولتی در امور مربوطه، می‌دانند. همچنین آف^۳ (۱۹۹۲) در پژوهشی به بررسی نقش مؤسسات و دولتهای محلی در توسعه پایدار پرداخته و وجود فساد اداری احتمالی را مهم‌ترین عامل منفی در عدم موفقیت آن‌ها ذکر کرده است.

بر اساس مبانی نظری و ادبیات پژوهش مدل مفهومی به شرح شکل ۱ قابل ارائه است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف «کاربردی» و روش آن «توصیفی-تحلیلی» و مبتنی بر پیمایش است. جهت گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای (فیش برداری از کتب، مجلات، منابع الکترونیکی و ...) و میدانی (مشاهده، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه) استفاده شده است. جامعه آماری شامل سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سامان در استان چهارمحال و بختیاری است. بر این اساس از ۲۳ روستای شهرستان، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای-تصادفی تعداد ۵ روستا (چم چنگ، شوراب صغیر، فوجان، هوره، چم‌عالی) با تعداد ۸۹۸۸ نفر جمعیت انتخاب شده است. برای تعیین

1 - Limpopo

2 - Gillingham & Lee

3 - Uphoff

حجم نمونه نیز از فرمول کوکران استفاده و ۳۶۸ نفر برآورد گردید. $n = \frac{z^2 pq}{d^2 \left(1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1\right)\right)}$ با توجه به حجم بالای نمونه و مشکلات تکمیل پرسشنامه، این مقدار تعدیل ($n_1 = \frac{n}{1 + \frac{n}{N}}$) شده و در نهایت ۲۶۲ پرسشنامه تکمیل شده است. طبق فرمول: (d) معادل ۰/۰۵، ضریب اطمینان ۰/۹۵، $t = 1/۹۶$ و مقادیر p و q نیز هرکدام معادل ۰/۵ و حجم جامعه $n=۸۹۸۸$ است.

جدول ۱: نمونه آماری پژوهش

ردیف	روستا	جمعیت	نمونه
۱	چم چنگ	۱۸۸۱	۵۵
۲	شوراب صغیر	۳۲۹۴	۸۷
۳	قوچان	۷۰۵	۲۵
۴	هوره	۲۵۴۸	۷۱
۵	چم عالی	۵۶۰	۲۴
	جمع	۸۹۸۸	۲۶۲

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵ و محاسبات نگارندگان

جهت تدوین پرسشنامه ابتدا به شیوه مصاحبه با تعدادی از کارشناسان و مدیران و همچنین بررسی سایر پژوهش‌ها و مبانی نظری، پرسشنامه در راستای علل ناکارآمدی مدیریت روستایی طراحی شد. در بررسی علل ناکارآمدی از دیدگاه مردم محلی ارزیابی در قالب طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت و شامل سه بُعد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیطی- کالبدی بوده است. روایی محتوایی بر اساس تأیید متخصصان حوزه مدیریت و جغرافیای روستایی تعیین و بعد از دریافت نظرات، اصلاحات و پیشنهادها اعمال گردید. پایایی نیز با کاربرد ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و عدد ۰/۸۱۲ برای متوسط کل سؤالات به دست آمده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده‌اند. برای بررسی نرمال بودن توزیع میانگین نمرات از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، برای بررسی ناکارآمدی از آزمون رگرسیون خطی و تی تک‌نمونه‌ای و برای تبیین تفاوت مکانی در ابعاد مختلف نیز از آزمون‌های تعقیبی دانکن و تحلیل واریانس استفاده گردید. میانگین، درصد و ... نیز از جمله آزمون‌هایی بود که در بخش یافته‌های توصیفی بکار رفته است.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان سامان با موقعیت ۵۰ درجه و ۴۸ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۴۳ دقیقه عرض شمالی با ۴۷۹ کیلومترمربع مساحت، در ۲۱ کیلومتری شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد. این شهرستان با تعداد ۲۳ روستا، دو بخش، ۴ دهستان و بالغ بر ۲۴۰۰۰ نفر جمعیت روستایی در ناحیه کوهستانی زاگرس، در مرز استانهای چهارمحال و بختیاری با اصفهان واقع است (شکل ۲) (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

۱۴,۸۸	۳۹	زیر ۵۰۰ هزار تومان	
۱۱,۸۳	۳۱	۵۰۰ هزار تا یک میلیون	
۲۲,۵۱	۵۹	۱ تا ۱,۵ میلیون	متوسط میزان درآمد
۱۳,۷۴	۳۶	۱,۵ تا ۲ میلیون	ماهانه خانوار
۱۷,۱۷	۴۵	۲ تا ۳ میلیون	
۱۹,۸۷	۵۲	بیشتر از ۳ میلیون	
۱,۵۳	۴	بی‌سواد	
۳۹,۳۱	۱۰۳	ابتدایی تا سبک	
۳۵,۵	۹۳	دیپلم	سطح تحصیلات
۲۱,۳۷	۵۶	فوق‌دیپلم تا لیسانس	
۲,۲۹	۶	فوق‌لیسانس و بالاتر	

یافته‌های توصیفی در خصوص سؤالات عمومی نیز نشان می‌دهد که برای ۵۶ درصد پاسخ‌دهندگان میزان رضایت از عملکرد کلی مدیران محلی «متوسط» است. در خصوص انتخاب مدیران محلی بر اساس شایسته‌سالاری، تنها ۵٪ گزینه «خیلی زیاد» را بیان داشته‌اند. میزان استفاده مدیران محلی از تخصص نیروهای جوان در امور مختلف و همچنین پاسخگو بودن مدیران، بالاترین میزان (به ترتیب با ۴۵ و ۴۶ درصد) نظری «متوسط» داشتند. در خصوص تلاش در راستای افزایش سطح کیفیت زندگی مردم، تنها ۶ درصد گزینه «خیلی زیاد» را انتخاب نموده‌اند. در میزان موفقیت مدیران جهت کاهش مهاجرت روستا-شهری، ۴۳٪ گزینه «کم و خیلی کم» و در خصوص عمل به وعده‌های انتخاباتی، ۷۳٪ «متوسط به پایین» بوده است. این نتایج در مجموع نشان می‌دهد که مردم عملکرد مناسبی از مدیران محلی شاهد نبودند؛ با این وجود به صورت نسبی نیز رضایت وجود داشته است که بومی بودن مدیران محلی در این زمینه مؤثر بوده است.

یافته‌های استنباطی

به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش، ابتدا به بررسی نرمال بودن متغیرها پرداخته شد سپس روابط علی بین متغیرها با استفاده از نرم‌افزار spss24 محاسبه گردید.

جدول ۳: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف به منظور بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها

نوع توزیع	سطح معناداری	کولموگروف - اسمیرنوف
نرمال	۰,۱۱۸	۱,۱۸۹

همانطور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، با توجه به اینکه سطح معناداری متغیرهای پژوهش از مقدار ۰/۰۵ بزرگ‌تر است، نرمال بودن متغیرهای مورد بررسی، تأیید می‌گردد.

تبیین تأثیر عوامل مختلف بر ناکارآمدی مدیریت روستایی

به منظور تعیین سهم هر یک از عوامل اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و کالبدی در پیش‌بینی تغییرات مدیریت روستایی، از تحلیل رگرسیون خطی گام به گام استفاده گردید. شاخص‌های توصیفی ضرایب رگرسیون متغیرهای وارد شده در پیش‌بینی مدیریت روستایی از روی عوامل اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و محیطی-کالبدی در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: نتایج رگرسیون گام به گام پیش‌بینی مدیریت روستایی بر اساس عوامل اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و محیطی

مدل رگرسیونی	B	SEB	Beta	t	معناداری	F	R ²
مدل ۱ عوامل اقتصادی	۰/۰۳۸	۰/۰۰۲	۰/۶۸۸	۱۵/۲۱۶	۰/۰۰۱	۲۳۱/۵۲۵	۰/۴۷۴
مدل ۲ عوامل اقتصادی	۰/۰۲۹	۰/۰۰۳	۰/۵۲۶	۹/۹۹۶	۰/۰۰۱	۱۴۲/۳۱۵	۰/۵۲۶
عوامل محیطی-کالبدی	۰/۰۱۴	۰/۰۰۳	۰/۲۸۱	۵/۳۳	۰/۰۰۱		
عوامل اقتصادی	۰/۰۲۵	۰/۰۰۳	۰/۴۴۴	۷/۲۴۴	۰/۰۰۱		
مدل ۳ عوامل محیطی-کالبدی	۰/۰۱	۰/۰۰۳	۰/۱۹۶	۳/۱۶	۰/۰۰۲	۹۸/۹۹۵	۰/۵۳۸
عوامل اجتماعی-فرهنگی	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۱۸۳	۲/۵۲۵	۰/۰۱۲		

بنابر نتایج جدول (۴)، عوامل اقتصادی نخستین متغیری است که وارد معادله شده و پس از آن به ترتیب، عوامل محیطی و عوامل اجتماعی-فرهنگی بیشترین توانایی را به‌صورت ساده و ترکیبی در پیش‌بینی متغیر ناکارآمدی مدیریت روستایی شهرستان سامان دارند. علاوه بر این یافته‌ها نشان می‌دهد که در گام نخست عوامل اقتصادی به‌تنهایی ۴۷٪ ناکارآمدی مدیریت روستایی را تبیین می‌کند. در گام دوم مؤلفه عوامل اقتصادی در تعامل با عوامل محیطی ۵۳ درصد، ناکارآمدی مدیریت روستایی را پیش‌بینی می‌کنند. در گام سوم مؤلفه نیز عوامل اقتصادی در تعامل با عوامل محیطی و عوامل فرهنگی-اجتماعی ۵۴ درصد، ناکارآمدی مدیریت روستایی شهرستان سامان را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین مقدار T-Value در تمام تحلیل‌ها از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگ‌تر و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ ($P < 0,01$) است. لذا فرض تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-محیطی بر ناکارآمدی مدیریت روستایی تأیید می‌گردد.

میزان تأثیر عوامل اقتصادی در ناکارآمدی مدیریت روستایی شهرستان سامان

به‌منظور تعیین میزان تأثیر عوامل اقتصادی در ناکارآمدی مدیریت روستایی مردم سامان، با توجه به نرمال بودن داده‌ها، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای عوامل اقتصادی در ناکارآمدی مدیریت روستایی

مؤلفه	شاخص	\bar{X}	استاندارد	تفاوت	میانگین	اختلاف	تک نمونه	sig
رشد اقتصادی	عدم استقلال مالی و وابستگی به تأمین مالی دولتی	۳/۳۱	۱/۱۰	۰/۳۱	۴/۵۶	۰/۰۰۱		
	سطح پایین اقتصادی روستائیان و عدم حمایت از طرح‌های پیشنهادی	۳/۲۵	۱/۰۵	۰/۲۵	۳/۸۲	۰/۰۰۱		
	مشکلات اقتصادی در سطح کلان کشور و عدم تحقق بودجه مصوب	۳/۴۵	۱/۰۰	۰/۴۵	۷/۳۸	۰/۰۰۱		
	ناتوانی و کم‌توانی مالی مردم محلی در سرمایه‌گذاری در روستا	۳/۱۳	۱/۱۴	۰/۱۳	۱/۸۴	۰/۰۰۷		
	عدم وجود برنامه اقتصادی بلندمدت برای روستا	۳/۳۱	۱/۱۱	۰/۳۱	۴/۴۹	۰/۰۰۱		
	محدود بودن منابع درآمدی دهیاری‌ها	۳/۱۰	۱/۱۵	۰/۱۰	۱/۴۵	۰/۱۵		
	عدم مشارکت مالی اهالی به دلیل فقر و سطح پایین اقتصادی	۳/۲۶	۱/۱۴	۰/۲۶	۳/۷۵	۰/۰۰۱		
	عدم آگاهی و شناخت مدیران روستایی در زمینه اشتغال و کارآفرینی	۳/۱۸	۱/۳۲	۰/۱۸	۲/۲۶	۰/۰۲		
	توزیع ناعادلانه منابع و اعتبارات در روستاها	۳/۰۸	۱/۱۶	۰/۰۸	۱/۱۲	۰/۲۶		

۰/۲۳	۱/۲۰	۰/۰۹	۱/۱۹	۳/۰۹	عدم اولویت‌بندی در برنامه‌های مختلف عمرانی در روستا
۰/۱۳	۱/۵۲	۰/۱۱	۱/۲۳	۳/۱۱	عدم توانایی در تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی روستا
۰/۴۲	-۰/۸۰	۰/۰۶	۱/۲۳	۲/۹۴	عدم ایجاد فرصت‌های کارآفرینی و درآمدزایی در روستا
۰/۰۶	۱/۹۲	۰/۲۵	۲/۰۹	۳/۲۵	کمبود اعتبارات و عدم تخصیص اعتبارات طرح‌های عمرانی
۰/۰۰۱	۴/۱۰۸	۰/۱۸	۰/۷	۳/۱۸	مجموع عوامل اقتصادی

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

با توجه به نتایج جدول (۵) در خصوص تأثیر عوامل اقتصادی در ناکارآمدی مدیریت روستایی میانگین نمره مورد بررسی در مجموع ($\bar{X} = 3/18$) بوده که با میانگین فرضی (۳) حدود ۰/۱۸ تفاوت معنادار داشته است و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ ($P < 0,01$) است. لذا از نظر مردم نواحی روستایی شهرستان سامان، تأثیر عوامل اقتصادی در ناکارآمدی مدیریت روستایی «بیش از حد متوسط» بوده است. در این زمینه بیشترین تأثیر مربوط به «مشکلات اقتصادی در سطح کلان کشور» و «عدم تحقق بودجه‌های مصوب» می‌باشد که شاید بتوان اقتصاد تک بُعدی و وابسته به نفت و در نتیجه تأثیر تحریم‌ها بر بودجه‌های دولتی را مهمترین دلیل ذکر کرد. همچنین بحران خشکسالی در دهه اخیر و کاهش سطح اقتصاد خانوارها در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. کمترین تأثیر نیز مربوط به «عدم ایجاد فرصت‌های کارآفرینی و درآمدزایی» در روستاها بوده که رونق گردشگری را می‌توان از عوامل اصلی ذکر کرد.

میزان تأثیر عوامل اجتماعی در ناکارآمدی مدیریت روستایی مردم شهرستان سامان.

در این بخش نیز با توجه به نرمال بودن داده‌ها، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده گردید. نتایج آزمون در خصوص میزان تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی در ناکارآمدی مدیریت روستایی، در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای عوامل اجتماعی - فرهنگی در ناکارآمدی مدیریت روستایی

مؤلفه	شاخص	\bar{X}	استاندارد تفاوت	تفاوت نسبی	تفاوت نسبی نسبی	sig
فرهنگی-اجتماعی-مذهبی	سطح پایین دانش عمومی و همچنین تحصیلات مدیران محلی	۳/۱۱	۱/۱۸	۰/۱۱	۱/۴۷	۰/۱۴
	عدم جلب مشارکت مردم در امور مختلف	۳/۱۰	۱/۰۵	۰/۱۰	۱/۴۷	۰/۱۴
	قومیت‌گرایی و خویشاوندمداری در دیدگاه‌های مدیران محلی	۳/۴۹	۱/۱۴	۰/۴۹	۶/۹۸	۰/۰۰۱
	ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی	۳/۲۱	۱/۲۰	۰/۲۱	۲/۷۸	۰/۰۱
	عدم سکونت دائم در روستا	۳/۰۵	۱/۱۰	۰/۰۵	۰/۷۸	۰/۴۳
	عدم ارتباط مناسب (روابط عمومی) مدیران محلی با مسئولان ذی‌ربط	۳/۱۰	۱/۱۲	۰/۱۰	۱/۴۴	۰/۱۵
	عدم احساس مسئولیت مدیران محلی	۳/۱۵	۱/۲۲	۰/۱۵	۲/۰۳	۰/۰۴

۰,۰۰۱	۳۸۹	۰,۳۲	۱,۳۲	۳,۳۲	تأثیر محله گرایی و رقابت‌های ناسالم بین اهالی روستا
۰,۸۸	-۰,۱۵	-۰,۰۱	۱,۲۲	۲,۹۹	عدم توجه و تشکیل گروه‌های مردم‌نهاد (NGO)
۰,۱۵	۱,۴۶	۰,۱۱	۱,۲۳	۳,۱۱	درگیر شدن مدیران روستایی (دهیاران) در مسائل جناحی و سیاسی
۰,۰۱	۲,۵۸	۰,۲۰	۱,۲۵	۳,۲۰	عدم توجه به توانمندی‌های اجتماعی (نیروی جوان، تحصیل کرده و...)
۰,۰۰۱	۵,۲۷	۰,۳۹	۱,۲۱	۳,۳۹	عدم وجود نگاه شایسته‌سالاری در تصمیمات مدیران محلی
۰,۲۷	-۱,۱۲	-۰,۰۸	۱,۱۱	۲,۹۲	عدم اقتدار کافی مدیران روستایی در مدیریت روستایی
۰,۰۰۱	۵,۲۹	۰,۳۶	۱,۰۹	۳,۳۶	عدم آشنایی مدیران روستایی نسبت به جایگاه و شرح وظایف قانونی
۰,۰۳	۲,۱۸	۰,۱۷	۱,۲۵	۳,۱۷	سطح پایین تجربه مدیران محلی نسبت به مسائل مختلف
۰,۰۰۱	۳,۸۳	۰,۲۵	۱,۰۷	۳,۲۵	چند شغله بودن مدیران محلی
۰,۹۶	-۰,۰۵	۰,۰۰	۱,۲۴	۳,۰۰	عدم جوان‌گرایی و همچنین انتخاب افراد مسن در امور مدیریتی روستا
۰,۰۰۱	۵,۴۶	۰,۴۳	۱,۲۸	۳,۴۳	عدم پابندی به شعارهای مطرح‌شده در دوره انتخابات
۰,۰۰۱	۵,۹۹	۰,۴۱	۱,۱۲	۳,۴۱	وجود اشکالات ساختاری (عدم وجود ضوابط مناسب در انتخاب مدیران)
۰,۰۰۱	۵,۰۹	۰,۴۰	۱,۲۷	۳,۴۰	نگاه غیر جامع مدیران به مسائل کل روستا (جزء‌نگری مطالبات)
۰,۰۰۱	۴,۷۴	۰,۳۶	۱,۲۲	۳,۳۶	وجود اختلاف‌سلیقه شدید و تعصبات بی‌مورد بین مدیران محلی
۰,۰۰۱	۳,۵۳	۰,۲۶	۱,۱۹	۳,۲۶	نظارت ضعیف و یا عدم نظارت بر اقدامات مدیران محلی
۰,۰۰۱	۴,۸۳۴	۰,۲۱۷	۰,۷۲۳	۳,۲۱ ۷	مجموع عوامل اجتماعی - فرهنگی

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

با توجه به نتایج جدول (۶) در خصوص تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی در ناکارآمدی مدیریت روستایی، میانگین مورد بررسی در مجموع $(\bar{X} = ۳/۲۱۷)$ بوده که با میانگین فرضی (۳) حدود $۰/۲۱۷$ تفاوت معنادار داشته است و سطح معناداری کمتر از $۰/۰۵$ ($P < ۰,۰۱$) است؛ به عبارت دیگر از نظر مردم تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی در ناکارآمدی مدیریت روستایی «بیش از حد متوسط» بوده است. در این زمینه بیشترین تأثیر در ناکارآمدی مربوط به «قومیت‌گرایی و خویشاوندمداری» در دیدگاه‌های مدیران محلی و کمترین تأثیر

مربوط به «عدم اقتدار کافی مدیران روستایی» بوده است. موانع ساختاری و حمایت‌های ضعیف قوانین از جایگاه نهادهای مذکور از یک‌طرف و همچنین ضرورت حفظ آرامش و رفع مسالمت‌آمیز اختلافات احتمالی توسط مدیران محلی را می‌توان مهم‌ترین دلیل ذکر کرد. همچنین انسجام اجتماعی منتج از عواملی مانند قومیت، زبان، عادات و سنن در خویشاوندمداری مدیران محلی مؤثر بوده است.

میزان تأثیر عوامل محیطی - کالبدی، در ناکارآمدی مدیریت روستایی مردم شهرستان سامان

تعیین میزان تأثیر عوامل محیطی - کالبدی در ناکارآمدی مدیریت روستایی، با آزمون تی تک نمونه‌ای (با توجه به نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و نرمال بودن داده‌ها) صورت پذیرفت و نتایج آن در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای عوامل محیطی - کالبدی در ناکارآمدی مدیریت روستایی

مؤلفه	شاخص	\bar{X}	استاندارد تاری	اختلاف میانگین	تاری تنبه	sig
عوامل محیطی - کالبدی	وجود بافت فرسوده و قدیمی روستا	۳.۱۶	۱.۱۶	۰.۱۶	۲.۳۰	۰.۰۲
	رویکرد منفی نسبت به وجود بافت‌های تاریخی و باارزش روستا	۳.۱۶	۱.۳۵	۰.۱۶	۱.۹۳	۰.۰۶
	عدم ارائه برنامه مناسب بهسازی بافت‌های قدیمی و زیباسازی محیط	۳.۱۲	۱.۱۶	۰.۱۲	۱.۶۵	۰.۱۰
	عدم وجود و یا تازه تأسیس بودن دهیاری‌ها	۲.۵۱	۱.۲۱	-۰.۴۹	-۶.۶۱	۰.۰۰۱
	عدم اجرای طرح هادی روستایی	۳.۰۵	۱.۱۳	۰.۰۵	۰.۶۶	۰.۵۱
	عدم توانایی در مدیریت و کاهش آسیب‌رسانی به محیط روستا	۳.۳۶	۱.۰۰	۰.۳۶	۵.۷۸	۰.۰۰۱
	ناتوانی در برنامه‌ریزی توسعه فضاهای سبز و ...	۳.۵۳	۱.۱۸	۰.۵۳	۷.۲۳	۰.۰۰۱
	عدم برنامه‌ریزی در حفظ چشم‌انداز طبیعی و گونه‌های گیاهی و جانوری	۳.۲۱	۱.۱۰	۰.۲۱	۳.۱۰	۰.۰۰۱
	عدم توجه به مسائل خاص زیست‌محیطی و بهداشت محیط روستا	۳.۴۶	۲.۱۰	۰.۴۶	۳.۵۴	۰.۰۰۱
	ناتوانی و ناکارآمدی در حفظ حریم منابع طبیعی و تاریخی روستا	۳.۱۵	۱.۱۸	۰.۱۵	۲.۱۰	۰.۰۴
	عدم مدیریت جمع‌آوری زباله‌ها و مواد زائد، فاضلاب‌ها از سطح روستا	۳.۱۶	۱.۱۱	۰.۱۶	۲.۲۸	۰.۰۲
	عدم استفاده بهینه از منابع محیطی موجود	۳.۱۳	۰.۹۹	۰.۱۳	۲.۰۶	۰.۰۴
	بی‌توجهی به کیفیت خدمات	۳.۰۳	۱.۱۱	۰.۰۳	۰.۴۵	۰.۶۵
	تغییر کاربری اراضی بدون رعایت ضوابط و برنامه منسجم	۳.۰۹	۱.۲۳	۰.۰۹	۱.۲۱	۰.۲۳
	عدم موفقیت در جلوگیری از سوداگری زمین	۳.۲۹	۱.۲۱	۰.۲۹	۳.۸۲	۰.۰۰۱

بی‌توجهی یا ناآگاهی به مسائل زیست‌محیطی خاص روستا	۰.۳۴	۰.۸۸	۰.۳۴	۶.۳۱	۰.۰۰۱
عدم همکاری اهالی - تغییر کاربری بدون دریافت مجوز	۳.۰۵	۱.۱۳	۰.۰۵	۰.۶۶	۰.۵۱
مجموع عوامل محیطی	۳.۱۶۲	۰.۶۲۴	۰.۱۶۲	۴.۱۸۷	۰.۰۰۱

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

با توجه به نتایج جدول (۷) در خصوص تأثیر عوامل محیطی - کالبدی در ناکارآمدی مدیریت روستایی، میانگین نمره مورد بررسی در مجموع (۳/۱۶۲) بوده که با میانگین فرضی (۳) حدود ۰/۱۶۲ تفاوت معنادار داشته است و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ ($P < ۰.۰۱$) است؛ در واقع از نظر مردم محلی سامان، تأثیر عوامل محیطی - کالبدی در ناکارآمدی مدیریت روستایی «بیش از حد متوسط» بوده است. در این زمینه بیشترین تأثیر مربوط به «عدم توجه به محیط‌زیست و ساماندهی فضاهای سبز و طبیعی» و کمترین تأثیر مربوط به «عدم وجود و یا تازه تأسیس بودن دهیاری‌ها» در مدیریت روستایی است. در خصوص بی‌توجهی به مسائل زیست-محیطی باید به رویکرد حداکثر بهره‌برداری از منابع را بیان داشت. همچنین وجود رویکرد ویژه به مدیریت شورایی از گذشته و تقویت آن از سال ۱۳۷۷، وجود مکانی با عنوان دهیاری را عامل چندان تأثیرگذاری نمی‌دانستند.

بررسی تفاوت‌های مکانی در علل ناکارآمدی مدیریت روستایی

به منظور بررسی تفاوت‌های مکانی در خصوص تأثیر عوامل مختلف (اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی) از تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده گردید و نتایج آن در قالب جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸: نتایج آزمون تحلیل واریانس

نوع مؤلفه	منابع تغییرات	s.s	df	M.S	F	P
اقتصادی	بین گروهی	۶۷۸۷/۵۸	۴	۱۶۹۶/۸۹	۲۴/۶	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۱۷۷۲۵/۳۴	۲۵۷	۶۸/۹۷		
	جمع	۲۴۵۱۲/۹۲	۲۶۱			
اجتماعی-فرهنگی	بین گروهی	۱۲۷۴۰/۰۸	۴	۳۱۸۵/۰۲	۱۵/۴۶	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۵۲۷۳۹/۰۳	۲۵۶	۲۰۶/۰۱		
	جمع	۶۵۴۷۹/۱۱	۲۶۰			
زیست‌محیطی	بین گروهی	۳۵۰۰/۵۹	۴	۸۷۵/۱۵	۸/۷۵	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۲۵۶۱۴/۸۲	۲۵۶	۱۰۰/۰۶		
	جمع	۲۹۱۱۵/۴۱	۲۶۰			

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

همچنان که مشخص است، عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی با توجه به $P < ۰/۰۵$ نشان از تفاوت‌های مکانی معنادار دارد. برای بررسی اختلاف موجود نیز از آزمون تعقیبی دانکن استفاده شد که نتایج آن در جدول ۹ ارائه گردید.

جدول ۹: نتایج آزمون دانکن در بررسی اختلاف موقعیت جغرافیایی و عوامل مختلف

نام روستا	فراوانی	اقتصادی			فرهنگی - اجتماعی			عوامل محیطی		
		اختلافها			اختلافها			اختلافها		
		۱	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۲	۳
قوچان	۲۵	۳۶/۲		۶۲/۴۴				۵۰/۰۸		
هوره	۷۱	۲۱۱/۳۷		۶۵/۶۸	۶۵/۶۸			۵۱/۴	۵۱/۴	
چم چنگ	۵۵	۴۰	۴۰	۷۱/۶۷	۷۱/۶۷			۵۳/۸۳	۵۳/۸۳	
شوراب صغیر	۸۷	۴۳/۴۷۱						۷۴/۱۰		۵۵/۳۸
جمعالی	۲۴			۵۴/۹۱۶۷			۸۶/۷۹			۶۳/۴۶
Sig		۰/۰۵۴	۰/۰۶۳	۰/۳۱۴	۰/۰۶۴	۰/۴۵	۱	۰/۱۲	۰/۰۹	۱

منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

نتایج نشان می‌دهد در عوامل «اقتصادی» بین روستاهای قوچان، هوره و چم چنگ تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما بین نظرات پاسخ‌دهندگان روستاهای قوچان و هوره با روستاهای شوراب صغیر و جمعالی و همچنین چم چنگ با جمعالی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج در خصوص عوامل «فرهنگی - اجتماعی» نشان می‌دهد که بین روستاهای قوچان و هوره، قوچان و چم چنگ، چم چنگ و شوراب صغیر تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما بین نظرات پاسخ‌دهندگان روستاهای هوره، چم چنگ، چم عالی و شوراب صغیر همچنین روستاهای قوچان با شوراب صغیر و جمعالی و چم چنگ با جمعالی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج آزمون دانکن در خصوص عوامل محیطی نشان می‌دهد که بین روستاهای قوچان، هوره و شوراب صغیر، قوچان، شوراب صغیر و چم چنگ تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بین نظرات پاسخ‌دهندگان روستاهای هوره، چم چنگ و جمعالی، همچنین قوچان و شوراب صغیر با جمعالی تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به موقعیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه و تشابهات و تفاوت‌های مکانی، می‌توان نتایج فوق را توجیه نمود. روستاهای قوچان، هوره و چم چنگ هم به لحاظ تولیدات اقتصادی و هم به لحاظ شرایط طبیعی و اجتماعی (زبان، فرهنگ، قومیت) دارای شباهت بیشتر با هم می‌باشند. در مقابل دو روستای چم عالی و شوراب صغیر تحت تأثیر موقعیت مکانی مناسب نسبت به مهمترین جاذبه تاریخی منطقه (پل زمانخان)، فاصله مکانی بسیار نزدیک به شهر سامان (مرکز شهرستان) و همچنین مهاجرپذیری بیشتر و اقتصاد متنوع تر، باهم دارای شباهت بیشتری می‌باشند و نتایج مذکور را توجیه می‌نمایند.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

مدیریت، مهم‌ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب را کنترل می‌کند. روستاها به منزله مکان‌هایی خاص با شیوه زندگی و فعالیت‌هایی متفاوت نسبت به شهرها هستند که نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی حاکم بر آنها است؛ به طوری که روستا به عنوان یک ساخت، برای ادامه بقا نیازمند پویایی عناصر به هم پیوسته است و مدیریت، بخش مهم و تعیین‌کننده‌ای در ارتباط با این عناصر شناخته می‌شود.

از نگاهی دیگر امروزه عدم تحقق توسعه پایدار روستایی از مهمترین چالش‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به شمار می‌آید و پارامتر مشارکت به همراه توجه به دیدگاه‌های مردم از اولویت‌های این رویکرد است؛ بنابراین در این پژوهش عوامل تأثیرگذار بر ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه جامعه محلی که مهمترین ذی‌نفعان توسعه پایدار روستایی به شمار می‌آیند، در کانون توجه قرار گرفت و از طریق واکاوی و تحلیل دیدگاه‌های مردم روستایی مهمترین عوامل تأثیرگذار بر ناکارآمدی مدیریت روستایی شناسایی شد.

بر این اساس در پژوهش حاضر به شیوه پیمایش و از جامعه محلی شهرستان سامان اطلاعات گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های توصیفی حاصل از خروجی نرم افزار spss نشان داد که بیشترین تعداد پاسخگویان مرد بوده‌اند. بیشترین فراوانی سطح تحصیلات مربوط به زیر دیپلم تا ابتدایی و به لحاظ درآمد بیشترین فراوانی مربوط به ۱ تا ۱/۵ میلیون درآمد ماهانه خانوار بوده است. رضایت کلی از عملکرد مدیران محلی برای بیش از ۵۶ درصد پاسخگویان نیز در حد «متوسط» بوده است.

در این پژوهش به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده و با سطح معناداری (۰/۱۱۸) که از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است نرمال بودن تأیید و کاربرد آزمون‌های پارامتریک (از جمله تی. تک‌نمونه‌ای) در این موضوع مناسب تشخیص داده شد.

به منظور شناخت عوامل ناکارآمدی مدیریت روستایی، از آنجا که رویکرد اصلی و آبخور فکری پژوهش بر الگوی توسعه پایدار روستایی بنا گردید، عوامل مذکور در سه بعد «اقتصادی»، «اجتماعی» و «محیطی-کالبدی» که در واقع ابعاد اصلی توسعه پایدار اند، تفکیک و مورد مطالعه قرار گرفت.

بر اساس نتایج رگرسیون خطی، در گام نخست مشخص گردید که «عوامل اقتصادی» به تنهایی ۴۷ درصد ناکارآمدی مدیریت روستایی را تبیین می‌کند. همچنین عوامل اقتصادی در تعامل با عوامل محیطی ۵۳ درصد و در تعامل با عوامل محیطی و اجتماعی ۵۴ درصد ناکارآمدی مدیریت روستایی شهرستان سامان را پیش‌بینی می‌کنند. علاوه بر این، مقدار T-Value در تمام تحلیل‌ها از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگ‌تر و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ ($P < 0.05$) است.

در خصوص میزان تأثیر عوامل اقتصادی در ناکارآمدی مدیریت روستایی میانگین نمره مورد بررسی در مجموع (۳/۱۸) بوده که با میانگین فرضی پژوهش (۳) تفاوت معناداری دارد. در خصوص میزان تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی نیز، میانگین مورد بررسی (۳/۲۱۷) بوده که از میانگین فرضی پژوهش یعنی عدد (۳) بزرگ‌تر است. در خصوص تأثیر عوامل محیطی-کالبدی نیز نمره مورد بررسی ۳/۱۶۲ به دست آمده که با میانگین فرضی (۳)، ۰/۱۶۲ تفاوت معنادار داشته است. بنابراین بُعد اجتماعی-فرهنگی (با میانگین ۳/۲۱)، بُعد اقتصادی (با میانگین ۳/۱۸) و بُعد محیطی-کالبدی (با میانگین ۳/۱۶) «تأثیر زیادی» بر ناکارآمدی عملکرد مدیران روستایی داشته‌اند. همچنین نتایج نشان داد مهم‌ترین عامل در بُعد اقتصادی «مشکلات بودجه‌ای در سطح کلان»، در بُعد اجتماعی-فرهنگی، «قومیت‌گرایی و اشکالات ساختاری انتخابات» و در بُعد محیطی «عدم توجه به محیط‌زیست و ناآگاهی به مسائل مربوطه» بوده‌اند. بعلاوه نتایج نشان از تفاوت‌های مکانی در ابعاد مورد بررسی دارد. سه روستای قوچان، هوره و چم‌چنگ که ساختار اقتصادی (تولیدات و اقتصاد غالب)، اجتماعی (زبان، قومیت، انسجام اجتماعی) و مکانی (فاصله با مرکز شهرستان) متفاوتی با دو روستای دیگر (چمعالی و شوراب صغیر) داشته‌اند، در عوامل ناکارآمدی مدیریت روستایی نیز دارای تفاوت بوده‌اند.

مقایسه نتایج این پژوهش با سایر موارد داخلی و خارجی مشابهت زیاد دارد. به طوری که با نتایج پژوهش‌های مولایی و همکاران (۱۳۹۳)، قنبری (۱۳۹۶)، مهدوی و نجفی (۱۳۸۴) در خصوص عدم مشارکت مردم؛ با پژوهش‌های ازکیا (۱۳۸۳)، فرجی و همکاران (۱۳۹۲)، اتحادیه اروپا (۲۰۱۵)، هوکا و کاتکو (۲۰۱۵)، در ابعاد مختلف بویژه مشکلات

ساختاری دارای مشابهت بوده است. همچنین در خصوص عامل مشکلات اقتصادی و بودجه‌ای، نیز با پژوهش‌های فرجی و همکاران (۱۳۹۲) و عبدالوحد و همکاران (۲۰۱۶) دارای قرابت است.

در پایان لازم به ذکر است که اگرچه در طول حیات مدیریت روستایی در کشور به‌مرور از مشکلات آن کاسته شده است، اما هنوز به جایگاه اصلی خود نرسیده است و شایسته است با نگاهی ویژه‌تر نسبت به گذشته مورد توجه قرار گیرد. لذا با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود: از آنجا که نتایج متفاوت و متضادی در هیچکدام از موارد با نتایج این پژوهش مشاهده نگردید، از تجربیات سایر جوامع محلی و حتی کشورهای دیگر که شرایط مشابه‌ای با ایران و منطقه مورد مطالعه دارند الگوبرداری شود. همچنین ضروری است توجه ویژه‌ای به جوانان و تخصص و مهارت‌های آنان شود. کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی در زمینه‌ی توانمندسازی مردم و مدیران محلی برگزار شود. با توجه به توانمندی‌های منطقه، رفع موانع تولید و رونق گردشگری می‌تواند از مشکلات اقتصادی، فقر و محرومیت بکاهد و زمینه مشارکت مردم را افزایش دهد. توجه به این رویکرد در درآمدزایی و استقلال مالی مدیریت محلی نیز مؤثر است. تلاش در راستای ارتقاء فرهنگی و کمرنگ کردن قومیت‌گرایی و نگاه شایسته‌سالاری در مدیران محلی صورت پذیرد. اولویت دادن به مسائل زیست‌محیطی توسط مدیران محلی نیز بر اساس الگوی توسعه پایدار، یک ضرورت است. افزایش نظارت از طرف نهادهای مرتبط می‌تواند به تقویت عملکرد مدیران محلی کمک نماید و برخی موانع ناکارآمدی را کاهش دهد. نگاه تمرکزگرایانه و عدم توجه به تفاوت‌های مکانی و جغرافیایی در سیاست‌های دولت نیز از مواردی است که ضرورت رعایت آن در برنامه‌ها انکارناپذیر است. به نظر می‌رسد بازتعریف وظایف قانونی مدیران محلی (دهیاران و شوراهای) با تأکید بر شاخص‌های توسعه پایدار نیز بتواند تسهیل در تحقق اهداف الگوی توسعه‌ای مذکور در نواحی روستایی را به دنبال داشته باشد.

منابع

۱. احمدی پور، زهرا. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. عظیمی آملی، جلال و مهدی پورطاهری (۱۳۹۱) «ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران»، مجله ژئوپولیتیک، صص ۲۸-۱.
۲. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. نشر نی، تهران.
۳. ایران‌نژاد پاریزی، مهدی (۱۳۸۵) اصول و مبانی مدیریت (در جهان معاصر)، چاپ اول، نشر مدیران، تهران.
۴. ایمانی جاجرمی، حسین و علیرضا کریمی (۱۳۸۸)، «چالش‌های اجتماعی شوراها روستایی در مدیریت محلی»، مجله توسعه روستایی، ش ۱، صص ۸۹-۱۱۴.
۵. بدری، سیدعلی (۱۳۹۰) «چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی»، ره نامه سیاست‌گذاری، ش ۲، ۱۸۰-۱۴۷.
۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳) لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۷. دهقانی، کیومرث و علی شمس‌الدینی (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر روند حکمروایی مدیریت سنتی و نوین در جامعه روستایی ایران»، فصلنامه راهبرد توسعه، شماره ۳۷، صص ۹۸-۵۹.
۸. رحمانی‌فضلی، عبدالرضا. رحمت‌الله منشی‌زاده و بیژن رحمانی (۱۳۹۶)، «تحلیل جایگاه مدیریت روستایی مبتنی بر رویکرد حکمروایی خوب در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: مقایسه بخش مرکزی کوه‌دشت و بخش لوسانات شمیرانات)»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ش ۱، پیاپی ۱۷، صص ۱۵۲-۱۳۳.
۹. رشیدپور، لقمان و سیدجمال فرج‌اله حسینی (۱۳۸۶)، «مدیریت مبتنی بر جامعه روستایی در حفاظت از منابع طبیعی»، مجله جهاد، شماره ۲۷۷، صص ۲۱۸-۲۰۴.
۱۰. رضاییان، علی (۱۳۷۹)، اصول مدیریت، انتشارات سمت، تهران.
۱۱. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس، چ ۴، تهران.
۱۲. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. حمدالله سجاسی قیداری و جمشید عینالی (۱۳۸۶)، «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲، صص ۳۰-۱.
۱۳. رکن‌الدین افتخاری، علیرضا. جلال عظیمی آملی. مهدی پورطاهری وزهرا احمدپور (۱۳۹۰)، «تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران»، پژوهش‌های روستایی، ش ۴، صص ۳۴-۱.
۱۴. سعیدی، عباس (۱۳۷۷) «توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی»، فصلنامه مسکن و انقلاب، ش ۸۲، صص ۲۲-۱۷.
۱۵. عباسی، محمد. عباس جمال‌الدینی و مرضیه اسمعیل پور (۱۳۹۴)، «رابطه مدیریت نوین روستایی با توسعه روستایی»، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی. سیرجان.
۱۶. علاقه بند، علی (۱۳۸۴)، مدیریت عمومی، چاپ چهاردهم، انتشارات روان، تهران.

۱۷. فرجی سبکبار، حسنعلی. ناصر بیات و محمدجواد قصابی (۱۳۹۲)، «شناخت و تحلیل علل ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی (بخش مرکزی شهرستان آران و بیدگل)»، پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ش ۳، صص ۲۸۰-۲۵۷.
۱۸. قنبری، سیروس (۱۳۹۶)، «بررسی آثار سبک مدیریت روستایی بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان اصفهان»، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، ش ۱، صص ۵۸-۴۱.
۱۹. کونترز، هرولد. سیریل اودانل و هاینز ویهریخ (۱۳۸۵) اصول مدیریت، ترجمه محمدعلی طوسی، علی‌اکبر فرهنگ، امین‌الله علوی و اکبر مهدویان. تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ ۶، جلد اول. تهران.
۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سالنامه آماری استان چهارمحال و بختیاری، chmb.mporg.ir.
۲۱. معین، محمد (۱۳۶۴) فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۲. مولایی هشتجین، نصرالله. تیمور آمار و احمد حاج علیزاده (۱۳۹۳). «چالش‌های مدیریت روستایی از دیدگاه شوراهای اسلامی در ماندگاری جمعیت در روستاهای ناحیه مرکزی اردبیل»، فصلنامه جغرافیا، انجمن جغرافیای ایران، ش ۴۰، صص ۹۱-۷۳.
۲۳. مهدوی، داود و زیور کریمی پور (۱۳۹۱)، «تدوین الگوی مطلوب مدیریت نوین توسعه روستایی ایران»، گاهنامه پژوهشی دانشگاه پیام نور استان چهارمحال و بختیاری، ش ۶، صص ۱۶-۱.
۲۴. مهدوی، مسعود. علی‌اکبر نجفی کانی (۱۳۸۴)، «دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران، (نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی)»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳۷، شماره ۵۳، صص ۳۹-۲۱.
۲۵. نظم فر، حسین. فاطمه محمدی و محبوبه یزدان‌پناه (۱۳۹۷)، «تبیین نقش شوراهای اسلامی و میزان مشارکت مردم در توسعه روستایی (دهستان‌های بخش کلباد شهرستان گلوگاه)»، برنامه‌ریزی فضایی، سال ۸، شماره ۲، صص ۳۸-۲۵.
26. Abdul Wahid. M. Shakil A. Noraini Bt. A. Talib, I. Ali Shah, M. Tahird, F. Ali Jan, M.Qaiser Saleem (2016) Barriers to empowerment: Assessment of community-led local development organizations in Pakistan. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*. 1-10.
27. Elmenofi, G, A.G. Bilali, H.El. Berjan, Sinisa (2014) Governance of rural development in Egypt, *Annals of Agricultural Science*, 59(2), 285-296.
28. European Union, (2015) Errors in rural development spending: what are the causes, and how are they being addressed? Special Report. Printed in Luxembourg.
29. Gillingham, S. Lee, Phyllis C. (2002) the impact of wildlife-related benefits on the conservation attitudes of local people around the Selous Game Reserve, Tanzania. *Environmental Conservation*, Volume 26, Issue 3, pp. 218-228.
30. Hukka, Jarmo J. Katko, Tapio S. (2015) Resilient asset management and governance for deteriorating water services infrastructure, 8th Nordic Conference on Construction Economics and Organization, *Procedia Economics and Finance* 21, 112 - 119.
31. Makofane, MDM.Gray, MMA (2007) Factors Hindering the Successful Outcom of Rural Community Projects. *Social Work/Maatskaplike Werk*: 43(3). 201-208.

32. Poulton, C (2014) Management in Rural Development, Centre for Development, Environment and Policy, SOAS.
33. Saimy, I. S, Yusof, N A Mohamed (2013) The Need for Better Water Policy and Governance in Malaysia, 1st World Congress of Administrative & Political Sciences (ADPOL-2012) *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 81. 371 – 375.
34. UPHOFF, N (1992) Local Institutions and Participation for Sustainable Development, *GATEKEEPER SERIES* No. 31, 1-14.
35. Wang, S. Yang, Y (2010) Grassroots Democracy and Local Governance: Evidence from Rural China, *Procedia Social and Behavioral Sciences* 2 (2010) 7164–7180.